

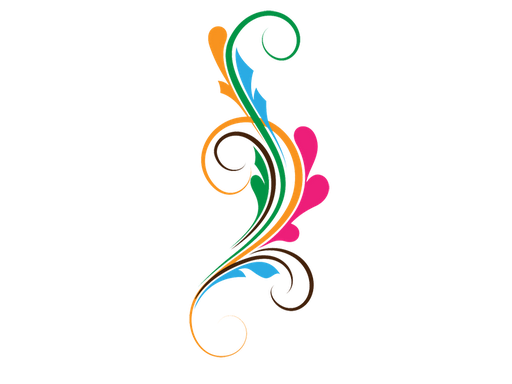
**چهل و سومین دوره مسابقات فرهنگی و هنری ( جشنواره امید فردا)**

**اداره آموزش و پرورش ناحیه 1 تهران - بهمن ماه 1403**



**نقالی رستم و سهراب**

**دبستان دولتی سرای دانش شهر تهران**



**کتاب شاهنامه**

**نوشته حکیم ابوالقاسم فردوسی**

منبع نقالی

**مدیر مدرسه : ثریا مکرمی**

**معاون پرورشی : زهرا محسن نیا**

عوامل اجــرایی

معرفی نقال

**محنا باقری دانش آموز پایه ی نهم**

**کنون رزم سهراب و رستم شنو**

**دگرها شنیدستی این هم شنو**

**یکی داستانست پرآب چشم**

**دل نازک از رستم آید به خشم**

**اگر تندبادی برآید ز کنج**

**به خاک افکند نارسیده ترنج**

**روزی رستم هوای رفتن به شکار کرد و با رخش به سوی مرز توران رفت پس آنجا را پر از گورخر دید شاد شد و شکاری زد و آتش بیفروخت . درختی را کند و در گورخری که شکار کرده بود چون سیخی فرو برد و بر آتش گذاشت . پس از صرف غذا و نوشیدن آب خوابید . هفت هشت تن از سواران ترک رخش را دیدند و او را دنبال کردند . رخش دوتا از آنها را با لگد کوبید و سر یکی را از تن جدا کرد . پس آنها با کمند گردن او را به بند آوردند و به شهر بردند وقتی رستم برخاست و رخش را ندید غمگین شد و پیاده به سوی سمنگان رفت تا مگر نشانی از او بیابد . ......**

خلاصه داستان نقالی